

## بررسی تعاریف دین از منظری دیگر

علی شیروانی\*

### چکیده

«تعریف دین» امروزه از بحث‌های مهم و چالش‌خیز در حوزه‌های گوناگون دین‌پژوهی، به‌ویژه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و پدیدارشناسی دین می‌باشد و این موجب شده که این بحث از مسائل جدید کلامی بشمار آید؛ هرچند، تاکنون چندان توجهی بدان نمی‌شد. در این مقاله ضمن اشاره به مبانی خاص تعاریف‌های گوناگون دین و بیان اهمیت جایگاه‌شناسی معرفتی این تعاریف، با تکیه بر تعاریف‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و پدیدارشناختی دین، عوامل اصلی گوناگونی تعاریف‌های دین مشخص خواهند شد که عبارت‌اند از: عدم تفکیک دین به‌عنوان حقیقتی مستقل و واقعیتی وابسته به انسان؛ عدم تفکیک دین متحقق و دین آرمانی؛ اضلاع متکثر دین؛ ظهور رشته‌های گوناگون دین‌پژوهی با اختلاف در پیش‌فرض‌ها و نظریه‌های پذیرفته‌شده از سوی دین‌پژوهان (نظریه‌مند بودن تعاریف‌های دین).

### واژگان کلیدی

دین، تعریف دین، کلام جدید، جامعه‌شناسی دین، روان‌شناسی دین، پدیدارشناسی دین.

## طرح مسئله

بیان چپستی، حقیقت و عناصر مقوم دین (تعریف دین) یک مسئله جدید کلامی است. در کتاب‌های کلاسیک کلامی در گذشته، دین به صورت جداگانه مورد بحث قرار نگرفته است. مباحث مطرح شده در این کتاب‌ها بحث‌هایی درباره نبوت و تکلیف است که به ضرورت و محتوای دین مربوط می‌شود نه تعریف و بیان ماهیت آن. (ربّانی، ۱۳۸۶: ۱۴) حتی شهید مطهری، که از متکلمان<sup>۱</sup> نواندیش معاصر بشمار می‌رود، تعریف دین را به منزله مسئله‌ای مستقل، مدون و صریح به میان نیاورده، و حتی در باب بسیاری از مسائل نوین کلامی که منطقی‌اً مسبوق به تعریف دین‌اند، مگر در موارد نادر، به چپستی دین به صورت مدون، نپرداخته است؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد، تعریف دین برای ایشان مسئله‌ای کلامی نبوده است. (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۴: ۱۱۷ و ۱۱۸) در حالی که در دو دهه اخیر، کسانی که دغدغه پاسخ‌گویی به مسائل جدید کلامی داشتند، بیشتر به تعریف دین اهمیت داده‌اند؛ تا آنجا که علامه جعفری در دهه هفتاد، در اثری مبسوط به نام *فلسفه دین*، در حجمی حدود صد صفحه، ضمن بحث درباره تعریف دین، به بررسی ده‌ها تعریف ارائه شده از سوی اندیشمندان غربی<sup>۲</sup> پرداخته است. (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۱۷ - ۱۱۳)<sup>۳</sup> همچنین آیت‌الله جوادی آملی فصل نخست کتاب *دین‌شناسی* را به تعریف دین اختصاص داده است. در این اثر، نویسنده به بیان دیدگاه خویش، متناسب با منابع اسلامی، در باب تعریف دین پرداخته است. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۴ - ۲۵)<sup>۴</sup>

۱. متکلم نامیدن آن شهید که بیشتر به عنوان فیلسوف شناخته شده است، به اعتبار همان تعریفی است که ایشان برای کلام ارائه کرده‌اند. اکثر آثار ایشان جنبه کلامی دارد؛ چراکه در مقام تبیین، اثبات و دفاع از آموزه‌های اسلام‌اند. البته اندیشه‌های کلامی ایشان تفاوتی بنیادین با متکلمان فلسفه‌سبیزی چون اشاعره دارد.

۲. تنها یکی از این تعریف‌ها متعلق به یک اندیشمند مسلمان ایرانی (دکتر علی شریعتی) است. (جعفری، ۱۳۷۸: ۵۳ - ۴۷)

۳. این کتاب هرچند عنوان فلسفه دین دارد، محتوای آن دربردارنده بحث درباره چهار مسئله جدید کلامی (تعریف دین، قلمرو دین، بررسی و تحلیل سکولاریسم، علم و دین) است.

۴. این کتاب مشتمل بر چند مسئله جدید کلامی بدین شرح است: تعریف دین، منشأ دین، گوهر و صدف دین، زبان دین، عقل و دین، پلورالیزم دینی.

نکته درخور توجه اینکه چرا در گذشته تعریف دین در کتاب‌های کلاسیک کلامی به صورت یک مسئله مطرح نبوده، و امروزه به عنوان یک مسئله کلامی مطرح است؟ وجود رشته‌های گوناگون دین‌پژوهشی، عامل اصلی اهمیت تعریف دین<sup>۱</sup> است. چراکه هریک متناسب با دیدگاه، روش و دغدغه‌های خاص خود به مطالعه پدیده‌ای به نام دین می‌پردازند؛ از این رو، طبیعی است، سرآغاز این تحقیقات، تلاش برای تعریف دین به منزله واقعیتی در زندگی فردی و اجتماعی انسان باشد. طبیعتاً تفسیرها و تعریف‌های ملحدانه و طبیعت‌گرایانه از دین، چالش‌ها و پرسش‌ها و شبهه‌هایی را در باب حقانیت ادیان، از جمله دین اسلام، به همراه می‌آورد که متکلم مسلمان در مقام پاسداری از مرزهای آن (اسلام)، خود را موظف به پاسخ‌گویی به آنها می‌بیند. در گذشته به دلیل عدم طرح چنین پرسش‌هایی متکلمان بدان نپرداخته‌اند.

### ضرورت تعریف دین

گویا نخستین نکته درخور توجه در باب تعریف دین، ضرورت و فایده آن است. ادله ضرورت و فایده تعریف دین - به منزله شناسایی حقیقت، طبیعت و عناصر اصلی تشکیل‌دهنده آن و روح جامع حاکم بر آن<sup>۲</sup> - عبارت‌اند از:

۱. طرح بحث‌های فراوان در باب دین و بروز مشاجرات علمی، و نفی و اثبات‌های فراوان و دامنه‌دار درباره آن؛ مثلاً طرح بحث‌هایی همچون: چگونگی نسبت میان دین و دولت، دین و توسعه، دین و اخلاق، دین و عقل، دین و علم.

۲. ظهور حوزه‌های فرهنگی و مطالعاتی گوناگون به جهت حضور دین در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، مانند هنر دینی، سینمای دینی، رسانه دینی و رمان دینی؛ ورود در چنین عرصه‌هایی نیازمند داشتن تلقی نسبتاً روشنی از دین است.

۳. عدم وضوح یا توافق در معنای مورد نظر طرفین در بحث از دین در بسیاری از نزاع‌ها

---

۱. در ادامه پاره‌ای از مهم‌ترین این رشته‌ها به اجمال معرفی خواهند شد.

۲. البته تعریف‌های دین همگی ناظر به این امور نیستند، بلکه بسیاری از آنها تنها به بیان ریشه و منشأ فردی و یا اجتماعی دینداری، و یا کارکردهای آن در ساحت فرد و اجتماع بسنده کرده‌اند.

و اختلاف‌هایی که دین مسئله اصلی و محوری آن است. مثلاً منشأ اختلاف کسی که می‌گوید: «دین و علم هرگز با هم هماهنگ و همراه نمی‌شوند» و کسی که می‌گوید: «دین نه تنها تعارضی با علم نداشته، بلکه آن دو همواره یار و یاور یکدیگر بوده‌اند»، ممکن است در معنای مورد نظر هریک از دین باشد و هر کدام به نحو ارتكازی به تعین خاصی از دین نظر داشته باشد. همچنین است کسی که می‌گوید «دین افیون ملت‌هاست»، و کسی که می‌گوید: «دین احیاکننده جامعه است»، یا آنکه می‌گوید: «دین موجب تباهی جامعه می‌گردد» و آنکه می‌گوید: «دین مایه صلاح و سداد جامعه است».

۴. شکل‌گیری رشته‌های مطالعاتی گوناگون حول محور دین؛ از قبیل فلسفه دین، روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دین و پدیدارشناسی دین، و نقش محوری تعریف دین به منزله یکی از مسائل اصلی این دانش‌ها. مثلاً، فیلسوف دین، پیش از هرچیز، باید بداند درباره چه چیزی فلسفه‌ورزی می‌کند، همچنین پدیدارشناس دین، باید بداند چه چیزی را می‌خواهد پدیدارشناسی کند و به همین ترتیب روان‌شناس یا جامعه‌شناس دین.

هرچند تعریف موضوع یک علم، از مبادی تصویری آن بشمار می‌رود و بیرون از حوزه خود آن علم و جزء مقدمات آن است نه از مسائل آن، به دلیل اهمیت مسئله و عدم رضایت بخشی بحث‌های صورت گرفته در هریک از زمینه‌های مطالعاتی مزبور، ابتدا به بررسی چستی دین به گونه‌ای متناسب با حوزه مطالعاتی مورد نظر خواهیم پرداخت.

#### دین از دو منظر: حقیقتی مستقل یا واقعیتی وابسته به انسان

در مقام تعریف دین و مسائل مربوط به آن، تفکیک دو کاربرد این واژه از هم ضرور است. دین گاهی به عنوان حقیقتی مستقل از انسان لحاظ می‌شود که از سوی مبدأ هستی برای هدایت او وضع و تأسیس شده، و به صورت پیامی الهی توسط پیامبران در اختیار آدمی قرار گرفته است، (دین به عنوان پیام الهی برای آدمی) و گاهی به منزله واقعیتی فردی و اجتماعی

۱. برای مثال در جامعه‌شناسی دین، تعریف دین جزء مسائل اصلی آن بوده، حجم گسترده‌ای از بحث‌ها را به خود اختصاص داده است؛ چندان که برخی مانند وبر معتقداند، دستیابی به تعریف دین نه نقطه آغاز، بلکه نقطه پایان پژوهش در جامعه‌شناسی دین است. (بنگرید به: شجاعی‌زند، ۱۳۸۸: ۱۸۴ و ۱۸۵)

در زندگی انسان قلمداد می‌شود (دینداری، تدین، دین‌ورزی)؛ بنابراین مقصود از دین گاهی خود دین است و گاهی تدین، دین‌ورزی و دینداری. امروزه در مطالعات دین‌پژوهی، مقصود کاربرد دوم واژه دین است.<sup>۱</sup> مثلاً پدیدارشناسی دین درصدد معرفی، طبقه‌بندی و بیان نقاط اشتراک و افتراق جلوه‌ها و تجلیات گوناگون دینداری است که به صورت تجربه‌ها، مناسک و شعائر دینی و مانند آن ظهور و بروز یافت؛ بنابراین پدیدارشناسی دین، درحقیقت پدیدارشناسی تدین و دین‌ورزی است و به همین صورت، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دین درصدد بررسی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی واقعیتهای اجتماعی و روانی به نام دینداری است. این برخلاف نگاه کلامی و الهیاتی به دین به منزله حقیقتی (پیامی، برنامه‌ای، مجموعه‌ای از قواعد نظری و عملی) مستقل از انسان اما مرتبط با اوست که انسان آن را دریافت کرده، می‌پذیرد و می‌کوشد آن را در خود متحقق سازد. امروزه بیشتر (اگر نگوییم همه) تعریف‌هایی که در رشته‌های گوناگون دین‌پژوهی از دین ارائه می‌شود ناظر به تدین، و تعریف‌های متکلمان ناظر به خود دین به عنوان حقیقتی نازل‌شده از سوی مبدأ هستی است.

### دین متحقق و دین آرمانی

نکته درخور توجه در تعریف دین و مسائل مربوط به آن، تفکیک دین متحقق از دین آرمانی است. دین به هریک از دو معنای پیشین گاهی آن‌گونه که هست مد نظر است (دین متحقق) و گاهی آن‌گونه که باید باشد (دین آرمانی، مطلوب و بایسته). مثلاً در باب اسلام، چنان‌که گاهی نظر به خود اسلام است (نفس دین) و گاهی به مسلمانی مردم (دینداری)؛ گاهی نیز،

۱. برخی معتقداند این معنا و مفهوم از دین، معنایی مربوط به دوران مدرنیته است که در غرب پدید آمده و از آنجا وارد ادبیات دیگر کشورها شده است (بنگرید به: خاتمی، ۱۳۸۲: ۲۱۲ - ۲۰۸). از زمانی که مترجمان ما واژه دین را به عنوان معادل فارسی «religion» که حامل معنای جدید غربی دین است به کار برده‌اند، این معنا در ادبیات فارسی رایج شده است. «ستال تصریح دارد که این واژه در فرهنگ‌های غیرغربی معادل ندارد و نمی‌توان آن را به زبان‌های غیر غربی ترجمه کرد؛ زیرا مخصوص فرهنگ و تفکر غربی است». (همان: ۲۱۰) برخی نیز با اشاره به دو معنای یادشده معتقداند، واژه دین در زبان فارسی و عربی غالباً در معنای نخست (پدیده‌ای مستقل از انسان که برخی گزاره‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی را دربر می‌گیرد) و واژه «religion» در زبان انگلیسی در معنای دوم (پایبندی به شریعت و آیین) به کار می‌رود. (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵: ۸ و ۹)

نظر به اسلام است چنان که هست؛ یعنی آنچه از سوی خداوند توسط پیامبر خاتم به انسان ابلاغ شده است؛ و گاهی نظر به اسلام است؛ به نحو مطلوب و ایدئال آن. در باب دینداری نیز، با توجه به هریک از این دو منظر، تعریف‌ها مختلف می‌شود که این اختلاف‌ها لزوماً به معنای تنافی و ناسازگاری نیست. برای ارزیابی تعریف‌های گوناگون دین و برگزیدن تعریف مناسب، باید مشخص کرد که در مقام تعریف دین متحقق و فعلیت یافته هستیم یا دین آرمانی.<sup>۱</sup>

### روش‌شناسی دستیابی به تعریف دین

با توجه به تفکیک‌های مزبور (تفکیک میان دین و دینداری از یک سو، و تفکیک میان آرمانی و متحقق از سوی دیگر)، به کار بستن روش مناسب برای دستیابی به تعریف دین در هریک از مقام‌های چهارگانه یادشده اهمیت فراوانی دارد. روش مناسب برای دستیابی به تعریف دینداری در مقام تحقق، روش‌های تجربی و توصیفی است، و در این باره دانش‌هایی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و پدیدارشناسی دین اهمیت فراوانی داشته، می‌توانند برای دستیابی به ویژگی‌ها و عناصر اصلی دینداری متحقق به طور عام و یا به نحو خاص (مانند دینداری مسلمانان در مقام تحقق) به کار آیند. این نوع پژوهش، صرفاً رنگ توصیفی و تحلیلی داشته، فارغ از هرگونه ارزش دآوری است.

برای پژوهش در باب حقیقت دین در مقام تحقق، مراجعه به منابع اصلی دین ضرور بوده، در مطالعه‌ای تطبیقی باید عناصر مشترک میان ادیان را از لابه‌لای متون و منابع اصلی آنها استخراج کرد. و در مقام بررسی دینی خاص مانند اسلام، مراجعه به منابع اصلی آن و استخراج آموزه‌های اصلی نظری و عملی و طبقه‌بندی و فهم روح و گوهر حاکم بر آنها به لحاظ ساختار و اهداف، مهم‌ترین وظیفه پژوهشگر است.<sup>۲</sup>

۱. برای نمونه بحثی که شهید مطهری در باب «معیار خوبی جهان‌بینی» مطرح کرده است. (مطهری،

۱۳۷۴: ۲ / ۸۲ و ۸۳) درحقیقت، بیانگر «ویژگی‌های بعد نظری دین آرمانی» است؛ اموری از قبیل:

۱. قابل اثبات عقلی بودن آموزه‌های آن؛ ۲. معنابخشی آن به زندگی؛ ۳. آرمان‌ساز و شوق‌انگیز بودن؛

۴. تقدس‌بخش بودن به هدف‌های انسانی و اجتماعی؛ ۵. تعهدآور و مسئولیت‌ساز بودن.

۲. نمونه‌ای از این تلاش‌ها در خصوص اسلام را می‌توان در نوشته شهید مطهری تحت عنوان

همچنین در مقام پژوهش در باب دینداری آرمانی یا متحقق، در هریک از حوزه‌های عام و خاص (مانند دینداری مسیحیان، بودائیان و یا مسلمانان) باید روش مناسب به کار گرفته شود.

### مسئله محوری در تعریف دین

حقیقت آن است که از یک‌سو، با مسائل پرشماری درباره دین، و از سوی دیگر، با کاربردهای متفاوتی از آن که ناظر به مصادیق خاصی از آن است، روبه‌رو هستیم. هریک از کاربردهای مزبور، می‌تواند در هریک از این مسائل مد نظر بوده، پرسش مدنظر (چیستی دین) براساس هریک از آنها تعیین خاص یافته، پاسخ آن نیز ممکن است متفاوت باشد. پرسش‌هایی مانند:

- آیا دین موجب سعادت انسان می‌شود؟

- آموزه‌های دین درباره طبیعت، جهان و انسان، با آموزه‌های علمی و فلسفی چه نسبتی دارد؟

- آیا دین برای زندگی اجتماعی بشر ضروری یا مفید است؟

- دین با خدا، انسان، اخلاق معنویت و وحی چه نسبتی دارد؟

در پاسخ به این پرسش‌ها آیا می‌توان بر معنای کلی و جامع دین، مثل «نوعی راه و رسم زندگی» تکیه کرد؟ روشن است که تعیین‌های گوناگون دین (اعم از توحیدی و غیر توحیدی، الهی و غیر الهی، ابراهیمی و غیر ابراهیمی، شرقی و غربی و ...) در ارتباط با پرسش‌هایی از این دست وضعیت‌های متفاوتی داشته، به تعبیری نسبت آنها با آنچه در این قبیل پرسش‌ها مطرح می‌شود یکسان نیست؛ از این‌رو ناگزیر (دست‌کم در پاره‌ای از موارد) برای ارائه پاسخی دقیق و خالی از ابهام به پرسش‌های مطرح شده، تعیین خاصی از دین مشخص، و در خصوص آن بحث و گفت‌وگو شود، هرچند در پاره‌ای از پرسش‌ها مانند: «تجلیات گوناگون دین در طول تاریخ چگونه است؟ آیا حضور دین در جامعه رو به کاهش است یا افزایش؟ دین در دوره مدرنیته و پست‌مدرن چه وضعیتی یافته است؟» همان مفهوم عام، کلی و جامع دین موضوع بحث بوده، به تعیین خاصی از دین نظر نمی‌شود، ارائه تعریفی

---

مشخصات اسلام (همان: ۲ / ۲۵۰ - ۲۲۵۰) مشاهده کرد. ایشان ساختار کلی آموزه‌های اسلامی را در بخش‌های شناخت‌شناسی، جهان‌بینی و جهان‌شناسی، و ایدئولوژی (بایدها و نبایدهای ناظر به عمل) بیان کرده‌اند.

جامع و مانع از دین در پاسخ به آنها می‌تواند مفید باشد.

نتیجه آنکه تعریف دین باید مسئله محور، و متناسب با مسئله یا پرسش محوری آن باشد. در این ارتباط می‌توان پرسش‌های مربوط به دین را در دو دسته کلی جای داد: پرسش‌های مربوط به مفهوم عام دین؛ و پرسش‌هایی در خصوص تعیین خاصی از آن.

در پرسش‌های دسته نخست درباره معنای جامع دین و عناصر مشترک میان ادیان مختلف، و بحث‌های گوناگونی در باب دشواری‌های تعریف دین مطرح می‌شود. مانند تعریف دین براساس نظریه شباهت خانوادگی ویتگنشتاین.

اما پیروان هر یک از ادیان می‌کوشند براساس دین خود به پرسش‌های دسته دوم پاسخ دهند. مثلاً، پاسخ یک الهی‌دان مسیحی، به پرسش از نسبت عقل و دین و یا علم و دین، بیانگر رابطه مسیحیت با عقل و علم، و پاسخ یک متکلم مسلمان حاکی از رابطه اسلام با عقل و علم است. به نظر می‌رسد در این موارد، بهتر است اساساً به جای واژه دین که معنایی جامع و کلی دارد، از واژه‌ای استفاده شود که بیانگر دین و آیین مطرح شده در پرسش مزبور است؛ مثلاً به جای واژه «دین» از اسلام، مسیحیت یا هر تعیین خاص دیگری که مد نظر است استفاده شود تا هرگونه ابهامی برطرف گردد. طبیعتاً در این موارد، پرسش از چیستی دین، به پرسش از چیستی اسلام، مسیحیت یا دیگر تعیینات مورد نظر تحویل می‌رود و ارائه پاسخی واحد در این خصوص نادرست است.

از سوی دیگر کلام (اعم از سنتی و جدید) مانند فقه، از جمله علوم اسلامی‌ای است که در خصوص حوزه اسلامی مطرح، و وظیفه‌اش تبیین و اثبات معارف دین اسلام و دفاع از آموزه‌های آن است. و بنابر آنچه در این دانش مطرح می‌شود، ناظر به دین اسلام است. پس اگر در نوشته‌ای که عنوان «کلام جدید» یا «مسائل جدید کلامی» را بر جبین دارد، از رابطه دین و عقل، دین و علم، دین و اخلاق، دین و معنویت، زبان دین، تجربه دینی و ... سخن به میان می‌آید، مقصود اصلی و اولی از دین، اسلام است، هرچند در آنجا که برای زمینه‌سازی بحث، آرا و دیدگاه‌های دیگران، از جمله مسیحیان مطرح می‌شود، معنای عام و یا دیگر تعیینات دین، مانند تعیین مسیحی مد نظر باشد.



## تأثیر پیش‌فرض‌ها در تعریف دین

در بسیاری از تعریف‌ها، دین به معنای روش بایسته و شایسته برای زندگی متناسب با عقاید و باورهای کلی نسبت به آغاز و انجام هستی و جایگاه انسان در آن به کار می‌رود؛ و به تعبیری باورهایی کلی درباره هستی و قواعدی درباره رفتار آدمی است که بیان‌کننده شیوه صحیح زندگی است. از آنجاکه هستی، مبدأ حکیمی دارد که پیامبرانی برای هدایت بشر به سوی خیر و سعادت فرستاده است تا آموزه‌های علمی و عملی لازم و کافی برای سعادت را به ایشان عرضه کنند، دین به‌عنوان بهترین مکتب و آیین زندگی همراه با اصول نظری بنیادین آن در پیام پیامبران الهی تعین می‌یابد.

به بیان دیگر، نوع نگرش ما به هستی و جایگاه انسان در آن، در شناخت دین حق، یعنی مکتب صحیح زندگی، راه صحیح نجات و سعادت، شیوه درست اندیشه و عمل، تأثیری تام دارد. کسی که اندیشه‌ای مادی داشته، قائل به آغاز و انجام جهان نبوده، آن را تحت تدبیر آفریننده‌ای حکیم نمی‌داند، طبیعتاً همه مکاتبی را که در زندگی بشر ظهور کرده و مشتمل بر باورهایی متفاوت نسبت به آغاز و انجام هستی‌اند، امری خرافی و پندارهایی ساخته ذهن آدمی می‌داند که منشأ آن، ترس یا جهل و یا منافع طبقاتی و ... است. اما اگر واقعیت به گونه‌ای دیگر باشد - که به باور ما اصول عقلی اثبات می‌کند به گونه‌ای دیگر است - نگرش ما به دین متفاوت خواهد بود. در اینجا بر این نکته تأکید می‌شود، که اتخاذ موضع صحیح در این خصوص، روشی کاملاً عقلی (برون‌دینی) داشته، تنها عقل تعیین‌کننده نوع صحیح نگرش به دین است و استناد و استدلال به آنچه در دین آمده، دوری و نادرست خواهد بود؛ مگر آنکه آموزه‌های دینی راهنمای ما به سوی اصلی عقلی باشد که در این صورت نیز، مستند نهایی عقل است.

پس در صورت اثبات عقلی با شیوه‌ای برون‌دینی، وجود مبدهای حکیم برای آفرینش، و نیاز بشر به هدایت خاص الهی برای رسیدن به کمال و سعادت درخور خویش، تحقق عینی و خارجی چنین هدایتی ثابت می‌گردد. اما این هدایت خاص الهی چگونه در اختیار بشر قرار می‌گیرد؟ یک طریق آن است که خداوند هر انسانی را مستقیماً مخاطب این هدایت قرار دهد، و می‌دانیم که چنین نبوده است؛ طریق دیگر آن است که انسان‌های خاصی را مخاطب قرار داده، ایشان را مأمور ارسال پیام هدایت‌بخش خویش به دیگران سازد که شواهد موجود چنین

امری را ثابت می‌کند. درحقیقت، حاصل عقل استدلالی و بررسی تاریخی بیانگر برانگیخته‌شدن کسانی است که از جانب خداوند مأمور هدایت انسان‌ها و رساندن پیام الهی به ایشان‌اند. با چنین نگرشی، در تعریف دین گفته می‌شود:

دین یعنی نظام فکری و عملی که از جانب خدا برای نجات و سعادت بشر عرضه می‌شود و گروهی به‌نام پیام‌آور دین در ابلاغ و نشر آن می‌کوشند. (سبحانی، ۱۳۸۲: ۱ / ۱۳۵ و ۱۳۶)

و یا:

دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار می‌گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۷)

البته تعریف اخیر دربردارنده پیش‌فرض دیگری درباره منابع دین الهی است؛ چراکه عقل را در کنار وحی، برای دستیابی به پاره‌ای از آموزه‌های دین - و نه همه آن آموزه‌ها - منبعی معتبر می‌شمارد.

بنابر آنچه گذشت یکی از عوامل مهم گوناگونی تعریف‌های عرضه‌شده از دین، اختلاف‌نظر درباره آغاز و انجام هستی و جایگاه انسان در آن است. و برای اتخاذ موضع صحیح در این خصوص باید با روشی عقلی - استدلالی (به‌معنای عام آن که در برابر روش نقلی و درون‌دینی قرار می‌گیرد) وارد بحث و گفت‌وگو شد و گام‌به‌گام به پیش رفت؛ همان روشی که متکلمان مسلمان برای اثبات نبوت عام و سپس نبوت خاص در پیش گرفته‌اند و در کتاب‌هایی مانند *تجريد الاعتقاد* خواجه طوسی می‌توان مشاهده کرد و شاید به همین جهت است که در کتاب‌های کلامی، سخن نه با تعریف دین، بلکه با اثبات مبدأ هستی و صفات وی آغاز شده، سپس مسئله نیاز بشر به هدایت الهی و بحث‌های مربوط به پیام‌آوران الهی مطرح می‌گردد.

### عوامل اختلاف در تعریف دین

اختلاف در تعریف دین عوامل دیگری نیز دارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

۱. اضلاع و ابعاد گوناگون دین؛ توجه به بُعد خاصی از دین می‌تواند موجب تنوع تعریف دین شود.

۲. ظهور رشته‌های گوناگون دین نه به‌عنوان «پیام خداوند برای هدایت انسان»، بلکه به‌منزله واقعیتهای در زندگی بشر و نگاه گوناگون به آن. این رشته‌های علمی که به‌عنوان دین‌پژوهی شناخته می‌شوند، مطالعاتی در خصوص بعد دینی زندگی انسان، با روش‌های گوناگون و از منظرهای متفاوت‌اند، از قبیل: روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و پدیدارشناسی دین که در تمام این رشته‌ها، جنبه بشری دین (دینداری و تدین) مد نظر است، نه جنبه الهی آن (خود دین به‌عنوان پیام خداوند برای بشر). به‌تعبیری، توجه به دین، آن‌گونه که در فرد و جامعه انسانی ظهور یافته و خود را نشان داده و متحقق شده مدنظر است. تعریف‌ها و بررسی‌ها در این خصوص، منحصر به تجلیات کامل دین نبوده، دربرگیرنده ظهورهای عام آن در میان توده‌هاست.

از سوی دیگر، در موارد بسیاری اختلاف منظرها موجب حصر توجه به بُعدی خاص از تجلیات دین و غفلت از دیگر ابعاد آن شده است؛ مثلاً در روان‌شناسی، به آثار، لوازم و ملزومات روانی دین و در جامعه‌شناسی، به آثار، لوازم و ملزومات اجتماعی دین توجه می‌شود.

۳. اختلاف در پیش‌فرض‌ها و نظریه‌های پذیرفته‌شده از سوی دین‌پژوهان. تعریف‌های ارائه شده از سوی جامعه‌شناسان یا روان‌شناسان در باب دین، مبتنی بر دیدگاه‌های خاص آنان است. مثلاً باور را هسته اصلی دین دانسته، منشأ آن رفتار، عواطف و یا احساسات و عقده‌های جنسی خفته در وجود انسان، و یا ترس از تهدیدهای طبیعی و غیر آن قلمداد می‌شود. این دیدگاه‌ها با انعکاس در تعریف دین به گونه‌ای خود را نشان می‌دهند.

از این‌رو، در بسیاری از موارد تعیین و تشخیص درستی تعریف ارائه‌شده از دین، منوط به بررسی مفروضاتی است که تعریف مبتنی بر آنهاست. روشن است بطلان نظریه‌هایی که یک تعریف مبتنی بر آنهاست، موجب بطلان تعریف ارائه‌شده، و درستی آنها شرط لازم درستی آن تعریف خواهد بود.

## تعریف دین در رشته‌های دین‌پژوهی

نقطه آغاز دانش‌های گوناگونی که هریک از منظر و روشی خاص به پژوهش در باب دین می‌پردازند، بیان چپستی دین و ارائه تعریفی مناسب برای آن است. تعریف‌های ارائه‌شده در این خصوص متعدد و متنوع‌اند. هرکسی از ظن خویش برداشتی از دین داشته و تعریفی از آن ارائه کرده است. این تعریف‌ها برخی عام، برخی خاص و برخی اخص‌اند؛ برخی همدلانه، برخی بی‌طرفانه و برخی خصمانه‌اند؛ برخی روان‌شناسانه، برخی جامعه‌شناسانه و برخی پدیدارشناسانه‌اند؛ برخی کارکردگرایانه، برخی ساختارگرایانه (ناظر به محتوای دین) و برخی غایت‌گرایانه (ناظر به اهداف دین)‌اند؛ برخی ملحدانه و برخی مؤمنانه‌اند؛ برخی بیانگر آثار مثبت و برخی گویای آثار منفی دین‌اند و ... در این بین کسانی کوشش برای تعریف دین را بی‌حاصل دانسته و کسانی برای رهایی از بن‌بست، با تکیه بر نظریه شباهت‌های خانوادگی ویتگنشتاین، به بیان ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی روی آورده‌اند که حضور تعداد مناسبی از آنها موجب تحقق دین می‌شود؛ و برخی به «تعریف به مثال» تمسک جسته‌اند.

از آنجاکه یکی از عوامل مهم اختلاف در تعریف دین، نوع نگرش صاحب تعریف به موضوع دین و حوزه مطالعات وی است و بیشتر تعریف‌های ارائه‌شده مربوط به سه حوزه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و پدیدارشناسی دین‌اند، در ادامه، ضمن معرفی این سه رشته مهم دین‌پژوهی، نمونه‌ای از تعریف‌های دین در سه حوزه مزبور را بیان می‌کنیم.

## روان‌شناسی دین

خاستگاه روانی پیدایش دین در زندگی آدمی چیست؟ آیا آدمی دارای حسی به نام حس دینی در کنار حس زیبایی‌شناسی و حس اخلاقی است؟ در صورت داشتن چنین حسی این حس چه ویژگی‌ها و نمودهایی دارد؟ آیا افراد دیندار دارای نوعی خاص از شخصیت‌اند؟ تجربه دینی چیست و چه نسبتی با دینداری و چه آثاری در حالات روحی و روانی فرد دارد؟ دینداری چه نسبتی با احساس رضایتمندی از زندگی دارد؟ آیا دینداری تأثیر مثبتی در بهداشت روانی و یا حتی سلامت جسمی دارد؟ در صورت تأثیر، میزان و نحوه آن چگونه است؟ آیا دینداری بر افزایش حس نوع‌دوستی، کمک به دیگران و میل به کارهای خیر تأثیر دارد؟ دینداری دارای

چه ابعاد روانی‌ای است و چگونه می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد؟

اینها نمونه‌هایی از پرسش‌های خرد و کلانی است که «روان‌شناسی دین» می‌کوشد به آنها پاسخ گوید. در تعریف این رشته می‌توان گفت: روان‌شناسی دین، شاخه‌ای از روان‌شناسی است که به مطالعه علمی درباره مسائل مربوط به دین و دینداری از دیدگاه روان‌شناختی می‌پردازد. (آذربایجانی و موسوی، ۱۳۸۵: ۶)<sup>۱</sup> این مسائل، ابعاد سه‌گانه باورها، احساسات (عواطف) و رفتارهای دینی را شامل می‌شوند. البته در روان‌شناسی روی آورده‌های گوناگونی وجود دارد که آن را به صورت مکاتبی مختلف با دیدگاه‌هایی متفاوت درآورده، که در نوع نگاه و روی آورد پژوهنده به دین نیز مؤثر است. در حال محصول کار روان‌شناسی، با هر روی آوردی که در آن برمی‌گزینیم، در صورت پژوهش در هر یک از ابعاد دین و دینداری در قلمرو روان‌شناسی دین گنجانده خواهد شد.

در روان‌شناسی دین، افزون بر نظریه‌پردازی‌های کلان درباره گوهر دین، ماهیت تجربه دینی، منشأ روانی دینداری و مانند آن که گاهی رنگ فلسفی به خود گرفته از قلمرو علم به معنای خاص آن بیرون می‌روند و باید با روش‌های عقلی، و نه تجربی، ارزیابی شوند. مسائل و مباحث خاص با محدوده‌ای مشخص نیز، مطرح می‌شوند که با همدلی بیشتر می‌توانند برای آسیب‌شناسی، تصحیح و رشد دینداری مردم به کار آیند که تحلیل روان‌شناختی مفاهیم و آموزه‌های دینی، یکی از مباحث مزبور است. مراحل تحلیل روان‌شناختی یک موضوع یا مفهوم مشتمل است بر: توصیف علمی (شامل تعریف، جدول نشانگان، و مقیاس

---

۱. این تعریف، در عین اختصار نسبت به تعریف تاوس جامع‌تر است. او معتقد است روان‌شناسی دین «درصد درک رفتار دینی از راه به‌کار بستن اصول روان‌شناختی‌ای است که از مطالعه رفتار غیر دینی به‌دست آمده‌اند.» دیدگاه وی تنها در پارادایم مکتب رفتارگرایی قابل دفاع است. کالینز پس از بیان تعریف تاوس یادآور می‌شود که روان‌شناسی دین افزون بر رفتار دینی، نگرش‌ها، ارزش‌ها و تجربه‌های افرادی را بررسی می‌کند که به وجود و تأثیر خداوند یا دیگر نیروهای ماورای طبیعی باور دارند. (آذربایجانی و موسوی، ۱۳۸۵: ۶) وی در تعریف روان‌شناسی دین، تلقی و برداشت خود را از دین (تعریف دین) آورده است که باید در جای خود بررسی شود. تعریف پالوتزبان به آنچه در متن آورده‌ایم بسیار نزدیک است: «روان‌شناسی دین گستره‌ای است که به مطالعه باورها و اعمال دینی از دیدگاه روان‌شناختی می‌پردازد.» (همان)

سنجش)، بیان نحوه پیدایش و رشد، تبیین و آسیب‌شناسی و بررسی پیامدهای آن. تحلیل روان‌شناختی را می‌توان در پنج حوزه پی گرفت:

۱. مفاهیم انسان‌شناختی دین مانند: هُلوع، جزوع و مَنوع که در قرآن کریم (معارج / ۲۱-۱۹) از صفات انسان بشمار آمده‌اند؛

۲. مفاهیم اعتقادی، مانند: ایمان؛

۳. مفاهیم ارزشی و اخلاقی مانند: توبه، تواضع و حسد؛

۴. مناسک و شعائر دینی مانند: نماز و روزه؛

۵. گزاره‌های دینی مانند: «ذکر خدا مایه آرامش دل‌هاست»، (رعد / ۲۸) «نماز انسان را از گناه و انحراف بازمی‌دارد...». (عنکبوت / ۴۵) (بنگرید به: آذربایجانی و موسوی، ۱۳۸۵: ۷ و ۸) دو عرصه فعالیت عالمان مسلمان در ارتباط با روان‌شناسی دین عبارت‌اند از:

۱. استخراج، استنباط، تبیین و سازمان‌دهی آن دسته از آموزه‌های اسلامی که به‌نحوی مربوط به این رشته علمی بوده، رهنمودهایی درباره مباحث و مسائل آن ارائه می‌دهد. در منابع اسلامی موارد فراوانی مرتبط با دغدغه‌های روان‌شناسی دین وجود دارد که هنوز با روش اجتهادی به‌نحو مطلوب استنباط، تبیین و سازمان‌دهی نشده‌اند و با وجود تلاش‌های فراوان در این زمینه، توسعه روان‌شناسی دین، عرصه گسترده‌تری را فراهم آورده که به بازبینی و بازپژوهی این بخش از آموزه‌های اسلامی ضرورتی دوچندان بخشیده است. بی‌شک تنقیح و تبیین این آموزه‌ها می‌تواند راهنما و الهام‌بخش پژوهندگان این حوزه از روان‌شناسی بوده، در جهت‌دهی، تصحیح و سامان‌بخشی درست به پژوهش‌های آنان مؤثر باشد. توسعه این فعالیت می‌تواند با ایجاد زمینه پیدایش روان‌شناسی دینی (اسلامی) یکی از نیازمندی‌های آن را برطرف سازد.

۲. بررسی انتقادی آن دسته از نظریه‌ها و گزاره‌های این رشته علمی که به‌نحوی در تعارض با آموزه‌های اسلامی به نظر می‌رسد. در این بخش، فعالیت عالم مسلمان به‌عنوان

---

۱. مقصود از «روان‌شناسی اسلامی» مکتبی در روان‌شناسی است که پیش‌فرض‌های آن متناسب با آموزه‌های اسلامی است و در محتوای آن از منابع اسلامی استفاده می‌شود.

متکلم، کاری کلامی خواهد بود. مثلاً اگر در جایی روان‌شناسی مدعی پژوهشی شد که نشان می‌دهد دعا و نیایش تأثیر مثبتی در زندگی عینی فرد ندارد، مثلاً به سلامت جسم و طول عمر و رفع گرفتاری‌های اجتماعی وی نمی‌انجامد، (نتیجه‌ای که دست‌کم در نگاه نخست با آموزه‌های اسلامی در تضاد است) متکلم موظف است با نشان دادن چندوچون این پژوهش و محدودیت‌های آن، عدم تعارض علم و دین (اسلام) را در این خصوص آشکار کند. لازمه ارائه تحقیقی مطلوب در این باره افزون بر آشنایی عمیق متکلم با آموزه‌های روان‌شناختی اسلام، آگاهی لازم از روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی دین بوده، توسعه این فعالیت منجر به پیدایش گرایش تخصصی‌ای در کلام در حوزه روان‌شناسی خواهد شد.

تعریف روان‌شناسانه دین: نمونه‌ی مشهوری از تعریف‌های روان‌شناسانه دین، سخن ویلیام جیمز است. از نظر وی دین عبارت است از: «احساسات، اعمال و تجربه‌های شخصی انسان‌ها در خلوت خود تا آنجا که خویش را در پیوند با چیزی می‌یابند که به تصور آنها الهی است». (James, 1902: 36)

در این تعریف، اگرچه جیمز اعمال و رفتار را نیز بیان کرده است، اصالت چندانی برای آن قائل نشده، بر احساسات و تجربه‌های انسان تکیه می‌کند. وی در جایی دیگر حقیقت و گوهر دین را همان احساسات دینی می‌شمارد. در نظر او دین عبارت است از آن دسته از احساسات، اعمال و تجربه‌های آدمی که با آنچه وی امری قدسی و الوهی و ماورایی می‌شمارد، پیوند و ارتباط داشته، به نحوی متوجه و متعلق به آن است. چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این عبارت، اولاً دینداری به‌عنوان یک واقعیت وابسته به انسان تعریف شده است؛ ثانیاً متناسب با تخصص جیمز به‌عنوان روان‌شناس در آن بر بعد عاطفی دین تکیه شده است؛ ثالثاً تحت تأثیر گرایش (و به تعبیر وولف، تعصب) وی نسبت به مسیحیت پروتستان است.<sup>۱</sup>

---

۱. وولف در این باره می‌گوید: «تعصب جیمز نسبت به مسیحیت پروتستان در [کتاب] انواع [تجربه دینی] نه تنها از کثرت مقولات و مثال‌هایی که وی از این دین می‌آورد به‌خوبی آشکار است، بلکه در ارجاعات جمعی او هم نظیر «ما پروتستان‌های انگلیسی زبان» دیده می‌شود. به همین‌گونه تعریف وی از دین ... تصویر یک پروتستان ضد کلیسایی را در برابر ما نمایان می‌سازد که در خلوت خود با خدا رازونباز می‌کند». (وولف، ۱۳۸۶: ۶۷۸)

## جامعه‌شناسی دین

جامعه‌شناسی از آغاز تولد توجهی اساسی به دین داشته است به گونه‌ای که می‌توان نخستین جامعه‌شناسان بزرگ (کنت، دورکیم، وبر و ...) را جامعه‌شناسان دین بشمار آورد. اما جامعه‌شناسی دین به‌منزله شاخه‌ای از جامعه‌شناسی که به مطالعه جامعه‌شناسانه دین به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی پردازد در نیمه دوم قرن بیستم با اختصاص گروه‌های علمی و پژوهشی گوناگون و نگارش آثار متعدد و برگزاری نشست‌های تخصصی منظم در این باره، رسمیت یافت.<sup>۱</sup>

مسائل اساسی جامعه‌شناسی دین را می‌توان در چهار دسته طبقه‌بندی کرد:

۱. چیستی دین؛ بررسی ماهیت و حقیقت دین و واکاوی ارکان و عناصر اصلی این بُعد از واقعیت زندگی آدمی به‌منزله یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه‌شناسی دین است که حجم انبوهی از مباحث این رشته را به خود اختصاص داده است. در نگاه جامعه‌شناس، دین پدیده‌ای اجتماعی است؛ پدیده‌ای که در جامعه متولد شده، رشد می‌کند و دارای زمینه‌های اجتماعی خاص خود بوده، با تأثیر و تأثر و دادوستد با دیگر پدیده‌های اجتماعی، آثار اجتماعی خاص از خود بر جای می‌گذارد.

تعریف‌هایی که جامعه‌شناسان از دین ارائه کرده‌اند درحقیقت خلاصه نظریه جامعه‌شناسانه ایشان درباره ماهیت و چیستی دین است که طبیعتاً بعد اجتماعی دین در آن برجسته است و اگر به ابعاد دیگر آن هم توجه شده باشد مغلوب و مقهور جنبه اجتماعی آن خواهند بود؛ مثلاً تعریف دورکیم از دین که می‌گوید: «دین احساسات الهام شده گروه است به اعضایش که به خارج از

۱. شجاعی‌زند در این باره می‌نویسد: «رسمیت یافتن و پذیرفته شدن انشعاب و استقلال یک رشته علمی اولاً مستلزم ضرورت‌های عینی بیرونی و شکل‌گیری نوعی باور و خودآگاهی بین متخصصان آن علم، و ثانیاً نیازمند وقوع برخی اتفاقات مکمل در اطراف آن است؛ مثل پدید آمدن دغدغه و تعلق خاطر جدی به این موضوع در میان تعدادی از جامعه‌شناسان شاخص و صاحب‌نظر، راهیابی به فهرست دروس دانشگاه و حتی شکل‌گیری گروه‌های تخصصی در محافل آکادمیک، جمع‌آوری و انتشار متون و نشریات تخصصی؛ پدید آمدن مراکز پژوهشی خاص و برگزاری نشست‌ها و همایش‌های ادواری درباره آن و غیره که برای جامعه‌شناسی دین به‌طور عمده در نیمه دوم قرن گذشته رخ داد. بنابراین با وجود تمام مطالعات عمیق در مناسبات میان دین و جامعه در گذشته‌های دور و در آغازین دوره شکل‌گیری جامعه‌شناسی، نمی‌توان زمان واقعی ولادت این رشته را بیش‌ازاین به عقب برد». (۱۳۸۸: ۲۳ و ۲۴)



وجدان آنها فرافکنده و عینیت یافته است»، (شجاعی زند، ۱۳۸۸: ۲۱۸) بیانگر دیدگاه او درباره چگونگی پیدایش عواطف دینی در آدمی است. پاره‌ای از مفروضات این تعریف عبارت‌اند از: یک. حقیقت دین عبارت است از نوعی احساسات و عواطف (نزدیک به دیدگاه کسانی مانند ویلیام جیمز، شلاپرماخر و اتو)؛ دو. مبدأ پیدایش این احساسات، گروه و جامعه است (مبتنی بر انگاره‌ای جامعه‌شناسانه که برای جمع اصالت قائل است)؛

سه. باور به وجود عینی موجودی به نام خدا و مانند آن، نوعی فرافکنی احساسات است. وی در جایی دیگر در تعریف دین می‌گوید: «دین عبارت است از دستگاہی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی یعنی مجزا [از امور ناسوتی]، ممنوع؛ این باورها و اعمال، همهٔ کسانی را که پیرو آنها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا [یا امت] متحد می‌کند». (دورکیم، ۱۳۸۳: ۶۳) وی با تأکید بر اهمیت ذاتی عنصر دومی که در این تعریف بیان شده است و اینکه «فکرت دین از فکرت کلیسا [یا امت] جداشدنی نیست»، این احساس را به خواننده می‌دهد که دین باید چیزی به حد اعلا جمعی باشد. (همان)

۲. بررسی دین؛ جامعه‌شناسان آمریکا، که گرایش پراگماتیستی دارند، به این محور علاقه بیشتری نشان داده‌اند. جست‌وجوی عوامل اجتماعی پیدایش دین، رابطه دین با دیگر نهادها، (نهاد خانواده، اقتصاد، دولت، آموزش و ...) بررسی سازمان‌ها و ساختارهای دین (مسجد، خانقاه، مدارس علمیه و ...) و طبقه‌بندی و بررسی گروه‌های دینی (بنیادگرا،<sup>۱</sup> سنتی،<sup>۲</sup> روشنفکری دینی، جنبش‌های نوظهور دینی و ...) از مسائل اساسی این محور از پژوهش‌های جامعه‌شناسی دین است.

۱. مقصود از بنیادگرایی (fundamentalism) نوعی رویگردانی از سنت و رجوع به منابع اصلی و اولیه دین است. سلفی‌گری را می‌توان نمونه‌ای روشن از بنیادگرایی در عالم اسلام بشمار آورد. در مغرب‌زمین نهضت پروتستان قرن بیستم (که منشأ پیدایش این اصطلاح است) مصداق بارزی از بنیادگرایی معرفی می‌شود. بنیادهای این نهضت عبارت‌اند از: عاری از خطا بودن کتاب مقدس، تولد مسیح از مادر باکره، رستاخیز جسمانی او و رجعت وی در آینده‌ای نزدیک. (وولف، ۱۳۸۶: ۸۷۰)

۲. گروه سنتی بر حفظ و استمرار سنت‌های دینی تأکید دارد. جریان کاتولیک در برابر پروتستان نمونه روشن آن در مسیحیت است.

۳. تعینات اجتماعی معرفت دینی؛ موضوع اصلی این محور، معرفت دینی (در برابر معرفت فلسفی، معرفت علمی، معرفت سیاسی و ...) و تعامل دوسویه آن با جامعه است که شامل بررسی نقش جامعه در شکل‌گیری، رواج و توسعه معرفت دینی، و نقش و تأثیرات اجتماعی آن است. این سنخ مسائل ازسویی، به جامعه‌شناسی دین و از سوی دیگر به جامعه‌شناسی معرفت مربوط شده، این دو گرایش جامعه‌شناسی را همزمان درگیر مباحث خود می‌کند. بررسی وضعیت حاملان دینی به‌لحاظ رفتار، شیوه زندگی، تأثیرگذاری اجتماعی و ... یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی معرفت دینی بشمار می‌رود.

۴. تحلیل رفتار اجتماعی دینداران شعائر، مراسم و مناسک، رفتارهای دینی گوناگونی‌اند که جامعه‌شناسان دین‌عهده‌دار توصیف، تبیین و تحلیل جامعه‌شناسانه آن‌اند. مثلاً مناسک حج می‌تواند موضوع بررسی جامعه‌شناختی قرار گرفته، علل و عوامل اجتماعی پیدایش این رفتار دینی و آثار، نتایج و لوازم اجتماعی آن در تحلیل جامعه‌شناختی مشخص شود.<sup>۱</sup>

هرچند بسیاری از جامعه‌شناسان، به‌ویژه جامعه‌شناسان کلاسیک و در رأس آنها اگوست کنت، گرایش‌های الحادی و ضد دینی داشته‌اند و با دخالت دادن مفروضات ملحدانه خویش در کار پژوهش و منحرف کردن جامعه‌شناسی از مسیر صحیح خود آن را به‌عنوان رشته‌ای دین‌ستیز جلوه داده‌اند، رفته‌رفته این روند رو به اصلاح آورده یا دست‌کم از شدت آن کاسته شده<sup>۲</sup> و گرایش به واکاوی بعد اجتماعی دین، فارغ از حقانیت و عدم حقانیت آن - که باید در

۱. البته مباحث مهم و محوری جامعه‌شناسی دین را به گونه‌های دیگری نیز، می‌توان طبقه‌بندی کرد. برای نمونه، همیلتون معتقد است: «می‌توان گفت که جامعه‌شناسی دین دو مضمون یا مسئله اصلی و کانونی دارد: یکی این است که چرا باورداشته‌ها و عملکردهای مذهبی یک چنین نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ و جامعه دارند؟ و دیگر اینکه چرا این باورداشته‌ها و عملکردها یک چنین صورت‌های گوناگونی به خود گرفته‌اند؟» (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱ و ۲) از نظر او «جامعه‌شناسی دین به مسئله نقش و اهمیت دین به‌معنای عام در جامعه بشری و نیز اهمیت باورداشته‌ها و عملکردهای گروه‌ها و جوامع خاص می‌پردازد». (همان)
۲. به‌گفته شجاعی‌زند: «مروری اجمالی بر انگاره‌های غالب در هر برهه و رهیافت‌های جایگزین، نشان می‌دهد که تغییرات پدید آمده در موضع و نگرش دین‌پژوهان و جامعه‌شناسان، روندی تعدیل‌شونده داشته است». (۱۳۸۸: ۲۶) برایان ترمز می‌گوید: «تاریخ جامعه‌شناسی دین را می‌توان یک روند متطور نظری دید که از تحویل‌گرایی اثباتی به سمت تحسین اهمیت مناسک دینی در سازمان اجتماعی

علمی مانند فلسفه (به‌ویژه فلسفه دین) و الهیات بررسی شود - به‌نحوی بی‌طرفانه و با رعایت انصاف علمی، قوت گرفته است.<sup>۱</sup> جامعه‌شناسی دین در صورت قرار گرفتن در مسیر صحیح، براساس بنیان‌های درست، و حذف پیش‌فرض‌های نادرست، می‌تواند در اموری مانند آسیب‌شناسی جنبه‌های اجتماعی دینداری، ضعف‌های جامعه دینداران و نحوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب، به متولیان دینی جامعه کمک کند.

برای نمونه می‌توان به بررسی جامعه‌شناختی مراسم عزاداری سیدالشهداء (ع) اشاره کرد. این بررسی می‌تواند پاسخ پرسش‌هایی از این نوع را در اختیار ما نهد: یک. عوامل اجتماعی پیدایش این مراسم در میان مسلمانان کدام‌اند؟ دو. شکل‌های گوناگون این مراسم کدام‌اند و هریک چه ویژگی‌ها و چه نسبت‌هایی با شرایط اجتماعی دارند؟

سه. این مراسم چه کارکردهای اجتماعی در پی دارد؟ چهار. آسیب‌هایی که این مراسم را تهدید می‌کند کدام‌اند؟ پنج. چگونه می‌توان جامعه را به‌سوی اجرای مطلوب این مراسم (به لحاظ کارکردهای اجتماعی و اهداف دینی) هدایت کرد؟

شش. شکل مطلوب اجرای این مراسم چه نیازهای اجتماعی‌ای را برآورده می‌کند؟ هفت. دولتمردان در طول تاریخ چگونه با این مراسم مواجه می‌شدند و چه نسبتی با آن برقرار می‌کردند؟ (تقویت، تضعیف، بی‌طرفی، تحریف و ...)

---

می‌رود و سرانجام به این آگاهی می‌رسد که علم پوزیتیویستی راهکار مطالعاتی و ابزار سنجش مناسبی برای دین نیست». (همان: ۵۷)

۱. از نظر همیلتون «جامعه‌شناسی دین به هرگونه راه‌حل در مورد مسئله حقیقت یا اعتبار داعیه‌های مذهبی بستگی ندارد و علاقه اصلی‌اش نیز پرداختن به چنین پرسش‌هایی نیست. جامعه‌شناسی دین به یک موضع خاص نسبت به این قضیه، چه همدلانه، چه مخالف‌آمیز و چه بی‌طرفانه نیاز ندارد. این نوع جامعه‌شناسی تنها با این قضیه سروکار دارد که باورداشتهای مذهبی چیستند و تحت چه شرایطی پدید می‌آیند». (۱۹: ۱۳۷۷) البته باید گفت: این سخن بیشتر ناظر بر وضعیت مطلوب در جامعه‌شناسی دین است، نه شکل موجود آن. در هر حال جامعه‌شناس دین، باید به محدودیت‌های پژوهشی خود واقف باشد و در همان محدوده اظهار نظر کند.

## پدیدارشناسی دین

پدیدارشناسی دین، درحقیقت، نوعی رهیافت به پژوهش در باب دین با روش پدیدارشناختی است. رودلف اتو از نخستین کسانی است که با این رویکرد به تأمل در باب دین پرداخت. همان گونه که سیمور کین و اریک شارپ در مقاله مبسوط خود درباره دین پژوهی<sup>۱</sup> بیان کرده‌اند،<sup>۲</sup> کتاب *مفهوم امر قدسی*، نوشته رودلف اتو، اثری اساسی و تأسیسی در پدیدارشناسی دین قرن بیستم شناخته شده است که تجربه دینی شخصی اتو و قدرت و مهارت سنجیده او و دانش گسترده‌اش از ادیان زنده جهان، به آن مدد رسانده است. (کین، ۱۳۷۲: ۱۵۴) داگلاس آلن نیز، در مقاله<sup>۳</sup> «پدیدارشناسی دین»،<sup>۴</sup> پس از و. بردکریستنسن، از اتو به‌عنوان یکی از پدیدارشناسان بزرگ دین یاد می‌کند. (همان: ۲۱۳)

پدیدارشناسی دین در پی تعمق بخشیدن به فهم ما از حیات دینی بوده، پرسش اساسی آن، کشف وجه مشترک پدیده‌های دینی است (اگر بتوان چنین وجه مشترکی در آنها تشخیص داد) که آنها را از هنر، اخلاق، جادو و یا علم متمایز می‌کند. همچنین، با توجه به تنوع فراوان و حیرت‌انگیز تجلیات دین و چگونگی طبقه‌بندی و گونه‌شناسی آنها، پرسش از بهترین و مناسب‌ترین طبقه‌بندی تفاوت‌های دینی، یکی دیگر از پرسش‌های مهم پدیدارشناسی دین است.

اگر دغدغه اصلی فیلسوف دین راهیابی به صدق و کذب آموزه‌های اعتقادی ادیان باشد، دل‌مشغولی اولیه پدیدارشناس دین، دستیابی به چستی دین و دینداری در ابعاد گوناگون (عقاید، عواطف، رفتارها) و دریافت گوهر نهایی و ریشه اصلی آن در وجود آدمی است. (وستفال، ۱۳۸۳: ۹۷) در اینجا دغدغه اصلی پژوهشگر، شناسایی دین از طریق تشخیص آثار،

### 1. Study of Religion.

۲. این مقاله در دایرة المعارف دین، ویراسته میرچا الیاده (۱۴ / ۸۸ - ۶۴) منتشر شده است. ترجمه این مقاله، توسط بهاء‌الدین خرمشاهی، در مجموعه‌ای به نام دین پژوهی (دفتر اول)، در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی به چاپ رسیده است.

۳. این مقاله در دایرة المعارف دین، ویراسته میرچا الیاده (۱۱ / ۲۸۵ - ۲۷۲) چاپ گردید و با ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی در مجموعه دین پژوهی به چاپ رسیده است.

### 4. Phenomenology of Religion.

نشانه‌ها یا مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن به‌عنوان پدیده‌ای است که بخش مهمی از عرصه حیات فردی و اجتماعی آدمی را به خود اختصاص داده است. هرچند برخی خواسته‌اند تعاریف‌های پدیداری را از تعاریف‌های پدیدارشناختی دین جدا کنند؛ زیرا «اولی بر ظهورات پدیده نظر دارد، [و] دومی متوجه درک و تلقی عوامل درگیر با آن است». (شجاعی زند، ۱۳۸۸: ۲۶۳) ارتباط بسیار نزدیکی میان آن دو وجود دارد؛ چراکه یکی از بهترین راه‌های دسترسی بر فهم ظهورات دین، توجه به درک و تلقی عوامل درگیر با آن است. در تعاریف‌های پدیداری گاهی به عناصر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دین توجه می‌شود و گاهی به آثار و تجلیات آن و گاهی به اعراض و نشانه‌های آن.

آلستون از کسانی است که به بیان مشخصه‌های اختصاصی دین پرداخته، و از این طریق کوشیده است، دین را شناسایی کند. این مشخصه‌ها از نظر او عبارت‌اند از:

۱. اعتقاد به وجودات فوق طبیعی (خدایان)؛
۲. تفکیک اشیای مقدس و غیر مقدس؛
۳. اعمال و مناسکی که بر امور مقدس تکیه دارند؛
۴. قانونی اخلاقی که اعتقاد به مصوب بودن آن از ناحیه خدایان وجود داشته باشد؛
۵. احساساتی که مشخصه دینی دارند (خشیت، احساس رمز و راز، احساس گناه، پرستش) که به نظر می‌آید در محضر امور مقدس و در خلال انجام مراسم سر برمی‌آورند و به تصورات مربوط به خدایان مرتبط‌اند؛
۶. دعا و دیگر صور ارتباط با خدایان؛
۷. جهان‌بینی یا تصویری عام از جهان به‌عنوان یک کل، و جایگاه فرد در آن. چنین تصویری دربردارنده تشخیص غایتی فراگیر برای جهان و اشاره به جایگاه فرد در آن است؛
۸. نظامی کمابیش کامل درباره حیات فرد، که بر جهان‌بینی مبتنی است؛
۹. یک گروه اجتماعی که امور فوق آنان را به هم پیوسته است. (آلستون، ۱۳۷۶: ۲۴ و ۲۵) از نظر آلستون «وقتی که مقداری لازم از این مشخصه‌ها به میزانی کافی وجود داشته باشند، ما یک دین داریم». (همان: ۲۶ و ۲۷) بنابراین، اجتماع همه امور مزبور برای تحقق مصداق دین لازم نیست؛ از این رو می‌توان گفت مصداق واژه دین، همانند مصداق واژه بازی،

بنا بر نظر ویتگنشتاین، از طریق شباهت خانوادگی با یکدیگر پیوند می‌یابند. یعنی بی‌آنکه وجود یک یا چند ویژگی مشترک در میان همه مصادیق دین لازم باشد، وجود مثلاً چهار یا پنج ویژگی از ویژگی‌های نه‌گانه به‌نحو سیال و علی‌البدل برای صدق این واژه کفایت می‌کند.

## نتیجه

برای توفیق در تعریف دین، و ارائه پاسخ شایسته درباره چپستی آن، نکات ذیل قابل توجه است:

۱. مسئله محوری؛ یعنی توجه به اینکه برای پاسخ به کدام سؤال درصدد تعریف دین هستیم. و به دیگر سخن، به‌دنبال تعریف «دین» در کدام مسئله یا گزاره هستیم. طبیعتاً باید تعریف ما متناسب با همان مسئله یا گزاره باشد؛

۲. تعیین هدف از تعریف دین به‌عنوان حقیقتی مستقل یا واقعی و وابسته به انسان؛

۳. مشخص کردن معرف؛ و به عبارتی، متحقق یا آرمانی بودن مفهوم دین به‌منزله معرف؛

۴. ابتدای تعریف بر پیش‌فرض‌های درست و قابل دفاع؛

۵. مشخص کردن جایگاه معرفتی تعریف مورد نظر از دین (اینکه تعریف ما، روان‌شناختی

است یا جامعه‌شناختی یا ...) و توجه به محدودیت‌های آن جایگاه.

## منابع و مآخذ

۱. آذربایجانی، مسعود و سیدمهدی موسوی‌اصل، ۱۳۸۵، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، قم،

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت.

۲. آلستون، پیتر و ... [دیگران]، ۱۳۷۶، *دین و چشم‌اندازهای نو*، ترجمه غلامحسین توکلی،

قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم.

۳. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۸، *فلسفه دین*، تدوین عبدالله نصری، تهران، مؤسسه فرهنگی

دانش و اندیشه معاصر، چ دوم.

۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *دین‌شناسی*، قم، اسراء.

۵. خاتمی، محمود، ۱۳۸۲، *پدیدارشناسی دین*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۶. دورکیم، امیل، ۱۳۸۳، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
۷. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۶، «تعریف دین از نگاه دین‌شناسان اسلامی»، *کلام اسلامی*، س ۱۵، ش ۵۸، ص ۳۴ - ۱۴.
۸. وولف، دیوید ام، ۱۳۸۶، *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.
۹. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۲، *مدخل مسائل جدید در علم کلام*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ دوم.
۱۰. شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۸، *جامعه‌شناسی دین*، تهران، نشر نی.
۱۱. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۴، *استاد مطهری و کلام جدید*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ سوم.
۱۲. کین، سیمور و دیگران، ۱۳۷۲، *دین پژوهی (دفتر اول)*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ۱۳۷۴، تهران، صدرا، چ پنجم.
۱۴. همیلتون، ملکم، ۱۳۷۷، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تیان.
۱۵. وستفال، مرولد، ۱۳۸۳، «پدیدارشناسی دین»، *مندرج در درباره دین*، ترجمه لیلا هوشنگی، تهران، هرمس.
16. Guttenplan, Samuel (ed), 1995, *A Companion to the Philosophy of Mind*, Oxford: Basil Blackwell.
17. James, William, 1902, *The varieties of Religious Experience*, New York, London, Green.